



Criminal Liability of Online Platforms and Internet Intermediaries for Intellectual Property Infringement under Iranian Law: An Analysis in Light of the Computer Crimes Law, the E-Commerce Law, and the 2024 Industrial Property Protection Act

Mohamad Setayeshpur ¹, Mohaddeseh Barzgarsaray ²

1. Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Islamic Republic of Iran. (Corresponding author), Email: Mohamadsetayeshpur@yahoo.com

2. PhD student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University of Qom/Qom/Islamic Republic of Iran, , Iran, Email: brzgrm309@gmail.com

Abstract

Received:
10/03/2026
Revised:
08/05/2026
Accepted:
11/06/2026
Published
online:
30/06/2026

The expansion of online platforms and Internet intermediaries in e-commerce, social networks, and digital services has transformed the traditional structure of intellectual property protection and has made the issue of their liability for intellectual property infringement one of the major challenges of information technology law and contemporary criminal policy. In Iranian law, although statutes such as the 2003 E-Commerce Act, the 2009 Computer Crimes Act, and the 2024 Industrial Property Protection Act have addressed this issue in an incoherent manner, there is still no clear framework for determining the scope of criminal liability of online platforms and intermediaries. Accordingly, this study aims to clarify the legal status of online platforms and examine the possibility and limits of attributing criminal liability to them for intellectual property infringements. It aims to answer the main question of to what extent the Iranian legal system possesses the necessary capacity to regulate the criminal liability of these digital intermediaries. This research adopts a descriptive-analytical method and is based on library resources, statutory laws, and Iranian legal doctrine. The findings showed that although Iranian law implicitly recognizes the possibility of attributing criminal liability to platforms through general rules of complicity, aiding and abetting, and corporate criminal liability, the absence of clear criteria regarding knowledge, active role, degree of control, and duty to act has undermined its effectiveness and predictability. Consequently, the criminal liability of platforms in Iranian law remains largely case-based and fragmented and has not yet been institutionalized as a coherent and operational legal regime.

Keywords: Criminal Liability of Online Platforms, Internet Intermediaries, Intellectual Property Infringement, Computer Crimes Act, E-Commerce Act, Industrial Property Protection Act 2024.





مسئولیت کیفری سکوهای برخط و واسطه‌های اینترنتی در نقض حقوق مالکیت فکری در حقوق ایران؛ تحلیلی در پرتو قانون جرائم رایانه‌ای، تجارت الکترونیکی و قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی

محمد ستایش پور^۱، محدثه برزگرسرای^۲

۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) رایانامه: Mohamadsetayeshpur@yahoo.com
 ۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران، رایانامه: brzgrm309@gmail.com

چکیده

گسترش سکوها و واسطه‌های اینترنتی در بستر تجارت الکترونیکی، شبکه‌های اجتماعی و ارائه خدمات دیجیتال، ساختار سنتی حمایت از حقوق مالکیت فکری را دگرگون کرده و مسئله مسئولیت این واسطه‌ها در قبال نقض حقوق مزبور را به یکی از چالش‌های اساسی حقوق فناوری اطلاعات و سیاست جنایی معاصر بدل ساخته است. در حقوق ایران، هرچند قوانینی همچون قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲، قانون جرائم رایانه‌ای ۱۳۸۸ و قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ به‌طور پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند، اما همچنان الگوی منسجم و روشنی برای تعیین حدود مسئولیت کیفری سکوها و واسطه‌ها وجود ندارد. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه حقوقی سکوها و بررسی امکان و حدود انتساب مسئولیت کیفری به آن‌ها در قبال نقض حقوق مالکیت فکری، در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که نظام حقوقی ایران تا چه اندازه از ظرفیت لازم برای تنظیم مسئولیت کیفری این بسترها برخوردار است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، قوانین موضوعه و دکترین حقوقی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که نظام حقوقی ایران، اگرچه به‌طور ضمنی امکان انتساب مسئولیت کیفری به سکوها را از طریق قواعد عام مشارکت و معاونت و مسئولیت اشخاص حقوقی به رسمیت شناخته است، اما به دلیل فقدان معیارهای روشن درباره علم، نقش فعال، میزان کنترل و تکلیف به اقدام از کارآمدی و پیش‌بینی‌پذیری لازم برخوردار نیست. در نتیجه، مسئولیت کیفری سکوها در حقوق ایران بیشتر جنبه موردی و غیرمنسجم داشته و هنوز به صورت یک نظام منظم و عملیاتی نهادینه نشده است.

کلیدواژگان: مسئولیت کیفری سکوهای برخط، واسطه‌های اینترنتی، نقض حقوق مالکیت فکری، قانون جرائم رایانه‌ای، قانون تجارت الکترونیکی، قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۲/۱۹

تاریخ اصلاح:

۱۴۰۵/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۳/۲۱

تاریخ انتشار برخط:

۱۴۰۵/۰۴/۰۹

استناد: ستایش پور، محمد و برزگرسرای، محدثه (۱۴۰۵). مسئولیت کیفری سکوهای برخط و واسطه‌های اینترنتی در نقض حقوق مالکیت فکری در حقوق ایران؛ تحلیلی در پرتو قانون جرائم رایانه‌ای، تجارت الکترونیکی و قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی، *آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی*، ۲(۲)، ۸۹-۷۲. <https://www.doi.org/10.22091/diplc.2026.14760.1038>



مقدمه

گسترش شتابان اینترنت پرسرعت، شبکه‌های اجتماعی، فروشگاه‌های آنلاین و سکوها^۱ توزیع محتوا، ساختار سنتی خلق، عرضه و بهره‌برداری از آثار فکری را دگرگون کرده است. امروزه بخش عمده‌ای از تکثیر، نشر و عرضه علائم تجاری، آثار نرم‌افزاری، صوتی، تصویری و نوشتاری در بستر سکوها^۱ خصوصی و واسطه‌های اینترنتی انجام می‌شود؛ واسطه‌هایی که در مقام دروازه‌بان دسترسی کاربران به محتوا و خدمات، نقشی محوری در تحقق یا پیشگیری از نقض حقوق مالکیت فکری ایفا می‌کنند. در چنین وضعیتی، تمرکز صرف بر تعقیب کاربران مباشر، پاسخگویی نقض‌های گسترده و سازمان‌یافته در محیط‌های سکوی نیست و سیاست جنایی ناگزیر باید به نقش و مسئولیت خود سکوها نیز توجه کند.

در حقوق ایران، بحث از مسئولیت واسطه‌ها ابتدا در قالب مسئولیت مدنی شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی و میزبانی مطرح شده و پژوهش‌هایی درباره مسئولیت مدنی بسترهای مجازی و ارائه‌کنندگان خدمات در قبال اعمال کاربران، با تمرکز بر جبران خسارت و قواعد تقصیر شکل گرفته است (ابهری و میری، ۱۳۹۱؛ غلامعلی‌زاده و حسام، ۱۴۰۲؛ رمضانیان سیاهکلرودی، ۱۳۹۹؛ حقیقت‌دوست، ۱۴۰۴). در سال‌های اخیر و هم‌زمان با رشد سکوها^۱ داخلی و استفاده گسترده از سکوها^۱ خارجی، پرسش از مسئولیت کیفری واسطه‌ها در قبال نقض حقوق مالکیت فکری نیز به‌طور جدی مطرح شده و آثاری همچون «مسئولیت حقوقی و کیفری واسطه‌های اینترنتی در حقوق ایران» در پی تبیین این موضوع برآمده‌اند (پورفلاطون و خادم رضوی، ۱۴۰۱). با این حال، هنوز پژوهشی که با تمرکز ویژه بر قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ و در پیوند با قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ و قانون جرائم رایانه‌ای ۱۳۸۸، الگوی منسجم مسئولیت کیفری سکوها را در نقض حقوق مالکیت فکری در حقوق ایران بازسازی کند، اندک است.

تصویب سه محور تقنینی مهم در دو دهه اخیر قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲، قانون جرائم رایانه‌ای ۱۳۸۸ و قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، اگرچه از حیث تقویت حمایت از مالکیت فکری و تنظیم فضای دیجیتال گامی رو به جلو به شمار می‌رود، اما وضعیت را از نظر تعیین جایگاه سکوها^۱ پیچیده‌تر کرده است. قانون تجارت الکترونیکی، ضمن تعریف تأمین‌کننده و مصرف‌کننده، تعهداتی را درباره صحت داده پیام، شفافیت هویت، امنیت سیستم و مسئولیت ناشی از نقض سیستم پیش‌بینی کرده است، بی‌آنکه نظام

۱. در این مقاله، واژه «سکو» به‌عنوان معادل فارسی واژه Platform به کار رفته و ناظر به بسترهای دیجیتال ارائه‌دهنده خدمات، محتوا و تعاملات آنلاین است.

خاصی برای نقض مالکیت فکری در محیط الکترونیکی ارائه کند (قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، مواد ۲ و ۸۷). قانون جرائم رایانه‌ای نیز عمدتاً بر جرم‌انگاری افعالی چون دسترسی غیرمجاز، تخریب داده‌ها، انتشار محتوای مجرمانه و نقض حریم خصوصی تمرکز دارد و تنها به‌طور غیرمستقیم و با تفسیر موسّع برخی عناوین، امکان اعمال آن در حوزه نقض مالکیت فکری متصور است (قانون جرائم رایانه‌ای، ۱۳۸۸). سرانجام، قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، هرچند با توسعه دامنه حمایت و پیش‌بینی ضمانت اجراهای کیفری نسبتاً شدید، نقطه عطفی در حمایت از مالکیت صنعتی است، اما نسبت آن با مسئولیت سکوها و واسطه‌های اینترنتی صریحاً تبیین نشده و برای انتساب مسئولیت به آن‌ها باید به قواعد عام مسئولیت اشخاص حقوقی و مشارکت کیفری مراجعه کرد (قانون حمایت از مالکیت صنعتی، ۱۴۰۳؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد بخش عمده ادبیات داخلی یا بر مسئولیت مدنی واسطه‌ها متمرکز بوده است (غلامعلی‌زاده و حسام، ۱۴۰۲؛ رمضان‌سیاه‌کلرودی، ۱۳۹۹؛ حقیقت‌دوست، ۱۴۰۴)، یا به‌طور کلی به مسئولیت واسطه‌ها در حقوق ایران پرداخته است، بدون آنکه به‌طور خاص پیوند بین مسئولیت کیفری سکوها و نقض حقوق مالکیت فکری را در پرتو قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی تحلیل کند (پورفلاطون و خادم رضوی، ۱۴۰۱). از این رو، خلأ پژوهشی در این زمینه محسوس است و ضرورت مطالعه‌ای که با تمرکز بر نظام حقوقی ایران و بدون تکیه بر اسناد بین‌المللی، مبانی و حدود مسئولیت کیفری سکوها و واسطه‌های اینترنتی را در قبال نقض حقوق مالکیت فکری واکاوی کند، به روشنی احساس می‌شود.

بر این اساس، مقاله حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، قوانین موضوعه و دکترین کیفری و مدنی ایران، به بررسی انتقادی مسئولیت کیفری سکوها و واسطه‌های اینترنتی در قبال نقض حقوق مالکیت فکری می‌پردازد و در صدد ارائه چارچوبی منسجم و متناسب با ساختار فعالیت بسترهای دیجیتال است. در این راستا، ابتدا در بخش نخست، مبانی نظری مسئولیت واسطه‌ها و نسبت آن با حقوق مالکیت فکری تبیین می‌شود؛ سپس در بخش دوم، چارچوب حقوقی ایران در پرتو قوانین تجارت الکترونیکی، جرائم رایانه‌ای و حمایت از مالکیت صنعتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در ادامه، الگوهای تطبیقی منتخب بررسی و جایگاه نظام حقوقی ایران با آن‌ها مقایسه می‌شود و در بخش چهارم، وضعیت موجود به‌صورت انتقادی ارزیابی می‌گردد. در نهایت، مقاله با ارائه جمع‌بندی و پیشنهادها اصلاحی به پایان می‌رسد.

۱. مبانی نظری مسئولیت واسطه‌ها و نسبت آن با مالکیت فکری

رشد چشمگیر فناوری‌های ارتباطی و گسترش سکوها و واسطه‌های اینترنتی، مفاهیم کلاسیک مسئولیت در حوزه مالکیت فکری را دستخوش تغییرات بنیادین کرده است. در فضای دیجیتال، نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری یا مالکیت صنعتی دیگر صرفاً نتیجه رفتار کاربران حقیقی نیست، بلکه اغلب به واسطه زیرساخت‌هایی انجام می‌شود که سکوها، میزبانان، موتورهای جست‌وجو، بازارگاه‌های آنلاین و ارائه دهندگان خدمات اینترنتی فراهم می‌کنند؛ زیرساخت‌هایی که عملاً مسیر انتشار و تکثیر آثار را شکل می‌دهند و نقش آن‌ها در وقوع یا پیشگیری از نقض، بسیار تعیین کننده است (Garrote, 2010; Seng, 2011; WIPO, 2018). این نقش میانجی‌گرانه سبب شده است مسئولیت این بازیگران در نظام‌های حقوقی معاصر نه تنها از منظر مدنی، بلکه از حیث کیفری نیز موضوع بحث و چالش قرار گیرد.

در ادبیات حقوقی، محل اختلاف آن است که آیا واسطه را می‌توان تنها به دلیل ایفای یک «نقش فنی» مسئول دانست، یا آنکه مسئولیت باید بر مبنای احراز تقصیر، علم، یا ساختاردهی کسب‌وکار استوار باشد. برخی نظام‌ها همچنان بر مبنای سنتی «مسئولیت مبتنی بر تقصیر» تکیه دارند و معتقدند تکلیف واسطه زمانی آغاز می‌شود که از وقوع نقض آگاه گردد و با وجود امکان جلوگیری، اقدامی انجام ندهد؛ تحلیلی که در دکترین ایرانی نیز در حوزه مسئولیت مدنی بسترهای مجازی به‌طور گسترده مورد پذیرش قرار گرفته است (ابهری و میری، ۱۳۹۱؛ غلامعلی‌زاده و حسام، ۱۴۰۲). در مقابل، تحلیل‌های جدیدتر، نقش واقعی واسطه را در زنجیره انتشار محتوا معیار اصلی مسئولیت می‌دانند. از این منظر، اگر ساختار فنی یا تجاری سکو به گونه‌ای طراحی شده باشد که بدون آن امکان وقوع نقض در مقیاس گسترده فراهم نباشد، یا اگر سکو از نقض بهره اقتصادی می‌برد، مسئولیت او حتی بدون اثبات تقصیر فردی، قابل تصور است (TalTech Thesis, 2023; Garrote, 2010).

در بسیاری از کشورها، مسئله مسئولیت واسطه‌ها نه به صورت صفر و یک، بلکه در قالب «رژیم‌های ترکیبی» حل شده است. این رژیم‌ها اصولاً واسطه را از مسئولیت معاف می‌دانند، مگر آنکه پس از اطلاع معتبر از نقض، در مهلت معقول اقدام نکنند. نظام‌های^۱ معافیت مشروط مسئولیت یا «اطلاع و اقدام» که در دستورالعمل تجارت الکترونیکی اتحادیه اروپا و قانون حق مؤلف هزاره دیجیتال آمریکا^۲ پذیرفته شده‌اند،

1. safe-harbor

۲. (DMCA) مخفف Digital Millennium Copyright Act (قانون حق مؤلف هزاره دیجیتال آمریکا، ۱۹۹۸) است که نظام safe-harbor را در حقوق ایالات متحده پایه‌گذاری کرده است.

دقیقاً مبتنی بر همین منطق هستند: واسطه‌ای که منفعل است یا کنترل مستقیم بر محتوا ندارد، تنها در برابر قصور در اقدام پس از اطلاع پاسخگو می‌شود، اما واسطه فعال و منتفع، با شدت بیشتری مسئول تلقی خواهد شد (WIPO, 2010; WIPO, 2018 OECD, 2011).

پیوند این مبانی با حقوق کیفری، پرسش‌های جدیدتری می‌آفریند؛ زیرا مسئولیت کیفری برخلاف مسئولیت مدنی بر اصل شخصی بودن و ضرورت احراز عنصر معنوی و لزوم تعیین نقش دقیق مرتکب استوار است. با توجه به این اصول، در حقوق ایران نمی‌توان صرف وجود یک بستر فنی را مبنای مسئولیت کیفری دانست؛ بلکه باید احراز شود که سکو یا واسطه، با علم به اینکه بسترش برای نقض مالکیت فکری استفاده می‌شود، عمداً یا به واسطه بی‌احتیاطی فاحش، موجبات تسهیل جرم را فراهم کرده است. علاوه بر این، با پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، امکان انتساب جرم به سکو در صورتی که تصمیم یا سیاست سازمانی در جهت نقض باشد، فراهم شده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۲۰ و ۱۴۳؛ پورفلاطون و خادم رضوی، ۱۴۰۱).

نقش واسطه‌ها در حوزه مالکیت فکری خصوصاً به این دلیل اهمیت دارد که ماهیت نقض‌ها در محیط دیجیتال معمولاً گسترده، پنهان و سریالی است. بنابراین، در بسیاری موارد، نه صاحب حق می‌تواند تک‌تک ناقضان را شناسایی کند، نه تعقیب جزایی کاربران متعدد از نظر سیاست جنایی قابل دفاع است. در چنین شرایطی، سکوها در مقام بازیگران کلیدی، تنها اشخاصی هستند که امکان واقعی جلوگیری از تداوم نقض، مسدودسازی محتوای مجرمانه، یا جلوگیری از گردش اقتصادی کالاهای تقلبی را دارند. از همین رو، تحلیل مسئولیت آن‌ها بر مبنای دو معیار اساسی انجام می‌شود: نخست، «نقش واقعی واسطه در وقوع نقض» و دوم، «قدرت کنترل و امکان پیشگیری»؛ معیارهایی که هم در دکترین بین‌المللی و هم در منابع فارسی تأکید شده‌اند (غلامعلی‌زاده و حسام، ۱۴۰۲؛ WIPO, 2018; Seng, 2011).

از مجموع این مبانی نظری چنین برمی‌آید که مسئولیت کیفری واسطه‌ها نمی‌تواند فاقد حدومرز باشد و اعمال آن بر سکوها مستلزم احراز شرایطی روشن است. اگر نقش واسطه صرفاً فنی و منفعل باشد، یا اگر به‌طور واقعی امکان احراز علم و تسهیل وجود نداشته باشد، اعمال ضمانت اجرای کیفری با اصول اساسی حقوق جزا تعارض خواهد داشت. اما در مواردی که سکو به‌عنوان شخص حقوقی، ساختار فعالیت خود را بر مبنای نقض گسترده یا کسب منفعت از عرضه آثار ناقض سامان داده باشد، یا با وجود اطلاع از نقض، هیچ اقدامی انجام ندهد، مسئولیت کیفری او بر پایه قواعد عام مشارکت، معاونت یا مسئولیت اشخاص

حقوقی، قابل تصور و حتی ضروری است. بنابراین، مبانی نظری مسئولیت واسطه‌ها با حقوق کیفری پیوندی نزدیک دارد و تحلیل دقیق آن در ادامه مقاله، به‌ویژه در پرتو قوانین تجارت الکترونیکی، جرائم رایانه‌ای و حمایت از مالکیت صنعتی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند.

۲. چهارچوب حقوقی ایران در مسئولیت کیفری سکوها

بررسی چارچوب حقوقی ایران در قبال مسئولیت سکوها و واسطه‌های اینترنتی زمانی معنا پیدا می‌کند که سه محور اصلی تقنین در دو دهه اخیر یعنی قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲، قانون جرائم رایانه‌ای ۱۳۸۸ و قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ در کنار قواعد عام مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مورد تحلیل یکپارچه قرار گیرند. این قوانین هرچند هر یک به‌گونه‌ای با بسترهای دیجیتال در ارتباط‌اند، اما هیچ‌کدام به‌تنهایی الگوی مشخصی برای مسئولیت کیفری سکوها در نقض حقوق مالکیت فکری ارائه نمی‌کنند و مجموعه آن‌ها تصویری پراکنده و نیمه ساخت‌یافته از وضعیت موجود را نشان می‌دهد.

قانون تجارت الکترونیکی، به‌عنوان نخستین متن نظام‌مند در حوزه مبادلات الکترونیکی، بیشتر بر تنظیم روابط مصرف‌کننده و تأمین‌کننده و تضمین امنیت مبادلات متمرکز است. این قانون در ماده ۲ تعاریفی نظیر «تأمین‌کننده» و «سیستم اطلاعاتی» را وضع کرده و در مواد بعدی، تکالیفی درباره صحت اطلاعات، شفافیت هویت و حفاظت از داده‌ها مقرر کرده است (قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲). مهم‌ترین ماده در ارتباط با مسئولیت واسطه‌ها، ماده ۸۷ است که مسئولیت مؤسسات خصوصی و دولتی را در صورت وارد آمدن خسارت ناشی از نقص یا ضعف سیستم مفروض می‌گیرد، مگر در صورتی که زیان ناشی از فعل شخصی افراد باشد. هرچند این حکم ظاهراً ناظر به مسئولیت مدنی است، اما از حیث مبنای سیاست‌گذاری، این امکان را ایجاد می‌کند که مسئولیت سکوهایی که بی‌احتیاطی یا نقص ساختاری سیستم آن‌ها زمینه‌ساز نقض مالکیت فکری شده باشد، قابل تصور گردد. با این حال قانون تجارت الکترونیکی به‌هیچ‌وجه نظام حقوقی ویژه‌ای برای مسئولیت کیفری واسطه‌ها ترسیم نکرده و حتی در حوزه مدنی نیز معیارهایی مانند علم، کنترل، نقش فعال یا منفعل و تکالیف پس از اطلاع را روشن نمی‌سازد؛ وضعیتی که در نوشته‌های حقوقی داخلی نیز مورد توجه قرار گرفته است (رمضانیان سیاه‌کلرودی، ۱۳۹۹؛ غلامعلی‌زاده و حسام، ۱۴۰۲).

در ادامه قانون جرائم رایانه‌ای ۱۳۸۸، اگرچه مهم‌ترین متن کیفری مرتبط با فضای مجازی است، اما رویکرد آن بیش از آنکه ناظر به تنظیم مسئولیت واسطه‌ها باشد، بر جرم‌انگاری رفتارهایی چون دسترسی غیرمجاز، شنود، تخریب داده‌ها، انتشار محتوای مستهجن، هتک حیثیت و افشای اسرار متمرکز دارد. این

قانون اصطلاح «واسطه» یا «سکو» را به کار نبرده و نقش ارائه دهندگان خدمات را تنها می‌توان به‌طور غیرمستقیم و از خلال مفاهیمی مانند «تسهیل دسترسی به محتوای مجرمانه» یا «آمادگی ارائه ابزار ارتکاب» استنباط کرد (قانون جرائم رایانه‌ای، ۱۳۸۸؛ Article 19, 2012). بنابراین، اگر سکوی با وجود اطلاع از انتشار گسترده نسخه‌های غیرمجاز آثار دارای حق یا عرضه کالاهای تقلبی، از حذف محتوا یا مسدودسازی دسترسی خودداری کند، می‌توان چنین رفتاری را ذیل مشارکت یا معاونت در جرم تحلیل کرد؛ تحلیلی که در برخی آثار داخلی نیز مورد توجه قرار گرفته است (پورفلاطون و خادم رضوی، ۱۴۰۱). اما چون قانون معیارهای علم، شدت نقش، یا معیار «تسهیل سازمان‌یافته» را روشن نکرده، انتساب مسئولیت کیفری به واسطه‌ها عمدتاً در مرحله نظری باقی مانده و هنوز به رویه قضایی تبدیل نشده است. این خلأ، در مقایسه با نظام‌هایی که مسئولیت کیفری واسطه‌ها را صریحاً تعریف کرده‌اند، تفاوت آشکاری در کارآمدی ایجاد می‌کند (TalTech Thesis, 2023).

قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، جدیدترین متن تخصصی در حوزه مالکیت فکری، از این منظر اهمیت دارد که برخلاف قانون ۱۳۸۶، دامنه حمایت را گسترش داده و ضمانت اجرای کیفری نسبتاً سنگینی وضع کرده است. ماده ۱۳۱ این قانون هسته اصلی جرم‌انگاری نقض حقوق مالکیت صنعتی را تشکیل می‌دهد و در آن، جزای نقدی درجه پنج، ضبط اموال ناشی از جرم و در مواردی حبس پیش‌بینی شده است. ماده ۱۳۲ نیز با تصریح به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و ارجاع به مواد ۲۰ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، امکان تعقیب شرکت‌ها و سکوها را فراهم کرده است (قانون حمایت از مالکیت صنعتی، ۱۴۰۳). با این حال، این قانون به‌طور کامل در سکوت نسبت به مفهوم واسطه‌های اینترنتی قرار دارد؛ نه نقش آن‌ها را تعریف می‌کند، نه ملاک‌های علم، تسهیل یا ترک فعل را مشخص می‌سازد و نه شرایطی برای ارزیابی مسئولیت کیفری در بستر دیجیتال ارائه می‌کند. چنین سکوتی سبب می‌شود در مواردی که سکوها بستر عرضه کالاهای تقلبی یا نشر علائم جعلی را فراهم می‌آورند، تفسیر مواد کیفری این قانون ناگزیر بر پایه قواعد عام انجام شود؛ وضعیتی که به ناهمگونی در انتساب مسئولیت می‌انجامد (غلامعلی‌زاده و حسام، ۱۴۰۲؛ WIPO, 2018). در کنار قوانین خاص، قواعد عام مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز بخش مهمی از این پازل را تشکیل می‌دهد.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۲۰، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را تحت شرایطی مانند ارتکاب جرم به نام شخص حقوقی، در راستای منافع آن یا با تصمیم مدیران به رسمیت شناخته است. در

ماده ۱۴۳ نیز، وجود «نقش مؤثر ارکان شخص حقوقی» شرط مرکزی برای انتساب جرم اعلام شده است. این مقررات در ظاهر می‌توانند برای تعقیب سکوهایی که سیاست سازمانی آن‌ها بر پایه نقض گسترده یا بر اساس چشم‌پوشی آگاهانه از نقض استوار است، قابل اعمال باشند (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲). اما چون معیارهای «نقش مؤثر»، «علم سازمانی» یا «پیشگیری معقول» در بستر دیجیتال تعریف صریحی ندارد، اعمال این قواعد همچنان به تشخیص موردی دادگاه‌ها وابسته است و پیش‌بینی‌پذیری حقوقی را کاهش می‌دهد (پورفلاطون و خادم رضوی، ۱۴۰۱).

برآیند این تحلیل نشان می‌دهد که اگرچه نظام حقوقی ایران عناصر پراکنده‌ای برای انتساب مسئولیت کیفری به سکوها در اختیار دارد، اما این عناصر به صورت یک نظام یکپارچه طراحی نشده‌اند. نه قانون تجارت الکترونیکی در حوزه مالکیت فکری تکلیف روشن دارد، نه قانون جرائم رایانه‌ای نقش واسطه‌ها را تعیین کرده و نه قانون حمایت از مالکیت صنعتی معیارهای انتساب کیفری در بستر دیجیتال را مشخص ساخته است. اتکا به قواعد عام مسئولیت اشخاص حقوقی نیز با وجود اهمیت آن نمی‌تواند خلأ فقدان تعریف نقش‌ها، معیار علم، یا تکالیف پس از اطلاع را جبران کند. به همین دلیل، همچنان مشاهده می‌شود که تعقیب کیفری در پرونده‌های نقض مالکیت فکری عمدتاً بر کاربران متمرکز می‌شود و نقش سکوها به دلیل ابهام‌های قانونی، کمتر در معرض مسئولیت قرار می‌گیرد؛ وضعیتی که نه با تحولات مالکیت فکری در جهان سازگار است و نه با نیازهای سیاست جنایی در عصر اقتصاد دیجیتال.

۳. الگوهای تطبیقی و تحلیل تطبیقی جایگاه ایران

بررسی الگوهای بین‌المللی مسئولیت واسطه‌های اینترنتی نشان می‌دهد که اغلب نظام‌های حقوقی پیشرو برای حل تعارض میان حمایت مؤثر از مالکیت فکری و حفظ آزادی بیان، رقابت سالم و رشد اقتصاد دیجیتال، به سمت طراحی رژیم‌های «میانه» حرکت کرده‌اند؛ رژیم‌هایی که نه مانند مسئولیت سخت‌گیرانه، بار سنگین اثبات را بر دوش واسطه می‌گذارند و نه مانند مصونیت مطلق، دارندگان حق را بی‌پناه می‌سازند، بلکه بر اساس نقش واقعی، میزان علم، شدت کنترل و رفتار پس از اطلاع، مرزی منطقی برای مسئولیت تعیین می‌کنند. این الگوها در سال‌های اخیر در گزارش‌های متعدد سازمان جهانی مالکیت فکری، اتحادیه اروپا، OECD و مطالعات تطبیقی دانشگاهی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند (Seng, WIPO, 2018; WIPO, 2010; OECD, 2011).

بر اساس این مطالعات، زیربنای مسئولیت واسطه‌ها در محیط دیجیتال بر یک اصل کلیدی استوار است: هرچه نقش واسطه فعال‌تر، سازمان‌یافته‌تر و مبتنی بر بهره‌برداری اقتصادی باشد، دامنه مسئولیت اعم از مدنی یا کیفی بیشتر خواهد بود و هرچه نقش او منفعل‌تر، فنی‌تر و غیرکنترلی باشد، امکان برخورداری از معاذیر معقول افزایش می‌یابد. در اتحادیه اروپا، (دستورالعمل تجارت الکترونیکی ۳۱/۲۰۰۰/EC/نظامی)، دوسطحی ایجاد کرده است: واسطه‌هایی که نقش صرفاً فنی مانند «انتقال داده» یا «میزبانی خودکار» دارند، از مسئولیت مصون‌اند؛ اما ارائه‌دهندگان میزبانی یا سکوه‌های محتوای محور، در صورتی که پس از اطلاع از محتوای ناقض اقدامی نکنند، مسئولیت خواهند داشت. محاکم اروپایی نیز در رویه خود معیارهایی چون نقش فعال، اطلاع واقعی، انتفاع اقتصادی از نقض، توانایی تکنیکی برای کنترل و عدم اقدام معقول را برای تعیین مسئولیت واسطه‌ها به کار گرفته‌اند (Seng, 2011; WIPO, 2020).

در ایالات متحده، قانون DMCA 1998 با ایجاد «safe-harbor» چهارگانه (میزبانی، کشف‌پذیری، لینک‌دهی و انتقال داده) مدل نسبتاً جامعی از مسئولیت مشروط را پذیرفته است. بر اساس این نظام، واسطه تنها در صورتی از مسئولیت معاف است که سازوکار رسمی «اعلام نقض»، حذف محتوا، همکاری با صاحب حق و جلوگیری از تکرار نقض را رعایت کند؛ در غیر این صورت، در معرض مسئولیت مدنی و حتی بعضاً کیفی قرار می‌گیرد. این الگو به‌ویژه در حوزه آثار سینمایی، موسیقی و نرم‌افزار نقش مهمی در کاهش نقض‌های سازمان‌یافته داشته است (WIPO, 2018; OECD, 2011). نکته مهم این است که DMCA مسئولیت کیفی واسطه را تنها در موارد استثنایی و همراه با احراز قصد یا مشارکت فعال می‌پذیرد؛ زیرا سیاست جنایی آمریکا از توسعه بی‌رویه مسئولیت کیفی در حوزه فناوری احتراز دارد.

در حقوق کشورهای آسیایی نیز الگوهای متفاوتی مشاهده می‌شود. برخی نظام‌ها مانند کره جنوبی و ژاپن به سمت مسئولیت نسبی با معیار «اطلاع و اقدام» رفته‌اند و برخی دیگر مانند چین، به‌ویژه در حوزه مالکیت صنعتی و کالاهای تقلبی، مسئولیت سنگین‌تری بر بسترهای تجارت الکترونیکی تحمیل کرده‌اند و در موارد عدم نظارت کافی یا عدم اقدام پس از اطلاع را در حکم «همکاری سازمان‌یافته» با ناقضان دانسته‌اند (TalTech Thesis, 2023). وجه مشترک همه این نظام‌ها، شفاف‌سازی نقش واسطه، تعیین معیارهای علم و کنترل و ایجاد رژیم‌های پیش‌بینی‌پذیر برای تعادل میان حمایت از مالکیت فکری و جلوگیری از تضعیف نوآوری است.

مقایسه جایگاه ایران با این الگوها نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران هنوز در نقطه‌ای پیش‌انظام‌مند قرار دارد. از یک سو قوانین پراکنده‌ای در تجارت الکترونیکی، جرائم رایانه‌ای و مالکیت صنعتی وجود دارد که هر کدام می‌توانند در مواردی مبنای مسئولیت مدنی یا کیفری واسطه‌ها باشند؛ اما از سوی دیگر، هیچ‌یک از این قوانین معیارهای اساسی مانند علم، عدم اقدام، نقش فعال، ساختاردهی کسب‌وکار، انتفاع اقتصادی یا توانایی کنترل را صریحاً تعریف نکرده‌اند. به همین دلیل، تعیین مسئولیت سکوها در ایران عمدتاً بر پایه قواعد عام مشارکت کیفری و مسئولیت اشخاص حقوقی (مواد ۲۰ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی) انجام می‌شود، در حالی که در الگوهای بین‌المللی، این قواعد تنها بخش کوچک و تکمیلی نظام مسئولیت هستند، نه بخش اصلی. فقدان نظام «اطلاع و اقدام» در حقوق ایران که یکی از ارکان اساسی مسئولیت واسطه‌ها در سطح بین‌المللی است، موجب شده است رابطه میان صاحبان حق و سکوها فاقد انسجام حقوقی باشد و اغلب بر پایه توافقات خصوصی یا رویه‌های غیررسمی شرکت‌ها شکل گیرد؛ رویه‌هایی که نه ضمانت اجرای قانونی دارند و نه در برابر دادگاه‌ها قابل استناد مطمئن هستند (WIPO, 2018; غلامعلی‌زاده و حسام، ۱۴۰۲). در نتیجه، دارندگان حق ناچارند برای مقابله با نقض، به تعقیب کاربران که غالباً ناشناس، متعدد و فاقد توان جبران خسارت هستند مراجعه کنند؛ امری که سیاست جنایی را از تمرکز بر عاملان اصلی نقض (سکوها) باز می‌دارد و کارآمدی حمایت کیفری را کاهش می‌دهد.

از حیث شدت برخورد کیفری نیز ایران در وضعیت دوگانه‌ای قرار دارد. در قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، مجازات‌های سنگین مانند جزای نقدی درجه پنج، ضبط عواید جرم و حبس در موارد خاص پیش‌بینی شده است؛ اما چون این مجازات‌ها بدون معیارهای روشن برای انتساب به واسطه‌ها وضع شده‌اند، بیشتر در پرونده‌های مربوط به ناقضان مستقیم اعمال می‌شوند و کمتر امکان تعقیب سکوها را سازمان‌دهنده یا منتفع از نقض وجود دارد. در حالی که در بسیاری از نظام‌ها، سیاست جنایی کیفری دقیقاً متوجه مواردی است که نقض به صورت سازمان‌یافته، تجاری و گسترده از طریق بستر یک سکو انجام می‌شود (Seng, 2011).

در مجموع، تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که برای ارتقای کارآمدی حمایت کیفری از مالکیت فکری در ایران، لازم است قانون‌گذار از تجارب بین‌المللی در زمینه تعریف نقش واسطه‌ها، معیارهای علم و اقدام و طراحی نظام‌های معاذیر معقول بهره‌گیرد؛ زیرا تعقیب صرف کاربران نه با واقعیت‌های فضای دیجیتال سازگار است و نه توان بازدارندگی دارد. نقطه‌ضعف اصلی ایران نه در شدت ضمانت اجراها، بلکه در فقدان

معیارهای روشن برای تشخیص مسئولیت واسطه‌هاست: معیاری که الگوهای خارجی بارها بر ضرورت آن تأکید کرده‌اند.

۴. تحلیل انتقادی وضعیت ایران در پرتو الگوهای تطبیقی

ارزیابی انتقادی وضعیت حقوق ایران نشان می‌دهد که علی‌رغم گسترش مقررات در حوزه تجارت الکترونیکی، جرائم رایانه‌ای و مالکیت صنعتی، همچنان فاصله قابل توجهی میان نیازهای واقعی حفاظت از مالکیت فکری در بستر دیجیتال و سازوکارهای قانونی موجود وجود دارد. نخستین چالش، فقدان تعریف دقیق و منسجم از مفهوم «واسطه اینترنتی» و نقش‌های متفاوت آن‌هاست. در حالی که در الگوهای پیشرو جهان، تفکیک میان ارائه دهنده دسترسی، میزبان، سکو محتوای محور، بازار الکترونیکی و موتور جست‌وجو اساس تعیین مسئولیت است (WIPO, 2018; Seng, 2011)، قوانین ایران هیچ‌گونه طبقه‌بندی روشنی ارائه نکرده‌اند. این خلأ مفهومی سبب می‌شود تفسیر قضایی نقش واسطه‌ها به صورت مورد به مورد و گاه متعارض انجام گیرد و فعالان اقتصادی نتوانند پیش‌بینی دقیقی از حدود مسئولیت خود داشته باشند.

چالش دوم، عدم وجود معیارهای روشن برای عنصر معنوی مسئولیت کیفی سکوهاست. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، گرچه مسئولیت کیفی اشخاص حقوقی پذیرفته شده و ماده ۱۴۳ نقش مؤثر ارکان شخص حقوقی را شرط انتساب دانسته است، اما این معیار در بستر دیجیتال مصادیق مشخصی ندارد. در نظام‌های خارجی، معیارهایی نظیر «علم واقعی»،^۱ «علم مبتنی بر قرائن»،^۲ «نقش فعال»، «کنترل مؤثر» و «عدم اقدام پس از اطلاع» به وضوح تعریف شده‌اند و رویه قضایی توسعه‌یافته‌ای دارند (OECD, 2011; WIPO, 2020). در مقابل، در حقوق ایران احراز علم سازمانی یا تسهیل آگاهانه اغلب دشوار است و همین امر مانع انتساب مسئولیت کیفی به سکوها حتی در مواردی که ساختار کسب‌وکار عملاً مبتنی بر نقض است، می‌شود. اتکا به قواعد عام معاونت و مشارکت، هرچند به لحاظ نظری ممکن است، اما بدون معیارهای عینی، عملاً منجر به نتایج نامتجانس می‌شود (پورفلاطون و خادم رضوی، ۱۴۰۱؛ غلامعلی‌زاده و حسام، ۱۴۰۲).

چالش سوم، نبود نظام «اطلاع و اقدام» است که در الگوهای بین‌المللی یکی از عناصر بنیادین مسئولیت واسطه‌هاست. در اتحادیه اروپا و ایالات متحده، واسطه‌ها مکلف‌اند پس از دریافت گزارش معتبر از نقض،

1. actual knowledge
2. constructive knowledge

محتوای ناقص را در مهلت معقول حذف کنند و عدم اقدام، مبنایی برای مسئولیت است. در ایران نه تنها چنین الزامی وجود ندارد، بلکه هیچ‌گونه سازوکار رسمی برای گزارش نقض از سوی صاحبان حق یا برای پاسخ‌گویی استاندارد سکوها تنظیم نشده است. این خلأ نه تنها موجب کاهش کارآمدی پیگیری نقض‌ها می‌شود، بلکه سبب می‌گردد صاحبان حق ناچار شوند به جای تعامل با سکو، به تعقیب مستقیم کاربران روی آورند؛ در حالی که در بسیاری موارد کاربران قابل شناسایی نیستند یا توان جبران خسارت ندارند. چنین وضعیتی عملاً ساختار مسئولیت را وارونه می‌کند و بار اثبات را بر دوش ضعیف‌ترین حلقه زنجیره می‌گذارد. چالش چهارم، تعارض میان شدت ضمانت اجرای کیفری در قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ و فقدان معیارهای لازم برای اعمال آن‌ها بر واسطه‌هاست. قانون جدید جرم‌انگاری‌های سنگینی چون جزای نقدی درجه پنج، ضبط عواید و حتی حبس را در موارد عمده پیش‌بینی کرده است؛ اما در فقدان معیارهای «نقش فعال»، «انتفاع اقتصادی»، «تکرار نقض»، «سازمان‌یافتگی» یا «عدم اقدام پس از اطلاع»، این ضمانت اجراها عمدتاً علیه کاربران مباشر اعمال می‌شوند و کمتر به سکوهایی که بستر نقض را ایجاد کرده‌اند تسری می‌یابند. این وضعیت از منظر سیاست جنایی مطلوب نیست؛ زیرا کیفر باید متوجه رفتارهای سازمان یافته و ساختاری باشد، نه تخلفات پراکنده و فردی که معمولاً انگیزه و قدرت اقتصادی محدود دارند.

پنجمین چالش، فقدان ارتباط میان مسئولیت مدنی و کیفری در نظام ایران است. در الگوهای پیشرو، مسئولیت کیفری تنها در موارد استثنایی و در نقض‌های گسترده یا تجاری اعمال می‌شود؛ در حالی که مسئولیت مدنی با ابزارهایی مانند دستور حذف، مسدودسازی، توقیف منافع و جبران خسارت، ابزار اصلی کنترل نقض در فضای دیجیتال است (WIPO, 2018). در ایران فرمان تقنینی به گونه‌ای است که مسئولیت مدنی تأمین‌کنندگان و واسطه‌ها بر اساس ماده ۸۷ قانون تجارت الکترونیکی در قالب مبنای تقصیر مطرح شده، اما ارتباط آن با مسئولیت کیفری در حوزه مالکیت صنعتی یا جرائم رایانه‌ای تبیین نشده است. در نتیجه، نه یک نظام سلسله‌مراتبی میان ضمانت اجرای مدنی و کیفری وجود دارد و نه معیاری برای اینکه چه زمانی نقض از آستانه مدنی گذر کرده و مستلزم مداخله کیفری است.

چالش ششم، فقدان رویه قضایی منسجم و دادگاه‌های تخصصی است. اگرچه قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ تشکیل شعب تخصصی را پیش‌بینی کرده، اما این سازوکار هنوز در مرحله اجرا به‌طور کامل مستقر نشده است. نبود رویه ثابت در موضوعی که به شدت فنی و مبتنی بر تحلیل ساختارهای دیجیتال است،

موجب می‌شود دادگاه‌ها در فهم نقش سکوها، میزان کنترل، امکان اقدام و شرایط تحقق مسئولیت کیفری دیدگاه‌های متفاوتی اتخاذ کنند و امنیت حقوقی فعالان اقتصادی کاهش یابد.

درنهایت، باید اذعان کرد که وضعیت کنونی ایران ترکیبی از «شدت تقنینی بالقوه» و «خلأ مقرراتی عملی» است. از یک سو، جرم‌انگاری‌های بسیار سنگین در قانون ۱۴۰۳ نشان دهنده گرایش به کیفرگرایی است؛ از سوی دیگر، نبود معیارهای روشن و سازوکارهای تعریف شده برای مسئولیت واسطه‌ها سبب شده است این شدت به‌طور بی‌تناسبی بر کاربران عادی متمرکز شود و سکوها کمتر در معرض مسئولیت واقعی قرار گیرند. این ناهمخوانی نه‌تنها از کارآمدی سیاست جنایی می‌کاهد، بلکه زمینه بی‌ثباتی حقوقی را فراهم می‌آورد و سرمایه‌گذاری در بخش اقتصاد دیجیتال را با ابهام مواجه می‌سازد.

این تحلیل انتقادی نشان می‌دهد که مسئله اصلی در ایران نه کمبود ضمانت اجرا، بلکه نبود نظام مشخص برای تعیین مسئولیت سکوهاست؛ نظامی که در آن نقش، علم، کنترل، ساختاردهی فعالیت و رفتار پس از اطلاع به‌وضوح مشخص باشد و هم‌زمان تعادل میان حمایت از حقوق مالکیت فکری و ضرورت‌های توسعه فناوری و نوآوری حفظ گردد.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف بازسازی الگوی مسئولیت کیفری سکوها و واسطه‌های اینترنتی در نقض حقوق مالکیت فکری در حقوق ایران و با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و بررسی انتقادی قوانین موضوعه و یافته‌های تطبیقی، به واکاوی وضعیت موجود پرداخت. در این چارچوب، مقررات تجارت الکترونیکی، جرائم رایانه‌ای و قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ به‌صورت یکپارچه تحلیل شد تا میزان انطباق آن‌ها با الزامات سیاست جنایی در عصر اقتصاد دیجیتال و ساختار واقعی فعالیت سکوها برخط ارزیابی گردد.

تحلیل انجام شده در سراسر مقاله نشان داد که ساختار کنونی حمایت از حقوق مالکیت فکری در فضای دیجیتال ایران، با وجود تحولات تقنینی اخیر، هنوز فاقد نظامی منسجم، پیش‌بینی‌پذیر و مبتنی بر تفکیک نقش‌های واسطه‌های اینترنتی است. بررسی مبانی نظری روشن ساخت که مسئولیت کیفری واسطه‌ها در بستر فناوری‌های نوین نمی‌تواند صرفاً تابع قواعد کلاسیک مشارکت و معاونت باشد؛ زیرا ماهیت شبکه‌ای، سریالی و تجاری نقض‌های مالکیت فکری در عصر اقتصاد دیجیتال ایجاب می‌کند که رفتار سکوها بر اساس نقش واقعی، میزان کنترل، سطح علم یا احتمال علم، انتفاع اقتصادی و واکنش آن‌ها پس از اطلاع ارزیابی شود؛ عناصری که در نظام‌های حقوقی پیشرو به‌طور دقیق تعریف و نهادینه شده‌اند.

بررسی مقررات تجارت الکترونیکی، جرائم رایانه‌ای و قانون حمایت از مالکیت صنعتی نیز نشان داد که هر یک از این قوانین به صورت پراکنده ظرفیت‌هایی برای انتساب مسئولیت به واسطه‌ها فراهم کرده‌اند، اما در مجموع هیچ‌یک معیارهای مشخص، عملی و قابل پیش‌بینی برای تشخیص مسئولیت کیفری سکوها در نقض حقوق مالکیت فکری ارائه نمی‌کنند. قانون تجارت الکترونیکی عمدتاً به مسئولیت مدنی ناشی از نقض سیستم پرداخته و قانون جرائم رایانه‌ای تنها به طور محدود به مفهوم تسهیل دسترسی اشاره کرده است؛ در حالی که قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، با وجود پیش‌بینی ضمانت اجرای نسبتاً سنگین، در خصوص جایگاه واسطه‌های اینترنتی سکوت اختیار کرده و تعیین مسئولیت را به قواعد عام مسئولیت اشخاص حقوقی واگذار نموده است.

مقایسه نظام حقوقی ایران با الگوهای تطبیقی نشان داد که شکاف اصلی موجود نه در کمبود ضمانت اجرای کیفری، بلکه در فقدان قواعد شفاف برای تعیین مسئولیت واسطه‌ها نهفته است. در حالی که در نظام‌های پیشرو، رژیم‌هایی مانند «اطلاع و اقدام»، «معاذیر معقول»، «معیارهای علم و کنترل» و «تفکیک نقش فعال و منفعل» ستون فقرات مسئولیت مدنی و کیفری را تشکیل می‌دهند، در ایران نبود این معیارها موجب شده است مسئولیت کیفری عمدتاً متوجه کاربران مباشر شود و سکوها حتی در موارد انتفاع اقتصادی از نقض، در حاشیه تعقیب قرار گیرند. این وضعیت، سیاست جنایی کشور را به ترکیبی از کیفرگرایی بالقوه و خلأهای عملی تبدیل کرده است که نه از بازدارندگی کافی برخوردار است و نه امنیت حقوقی لازم برای توسعه اقتصاد دیجیتال را فراهم می‌کند.

بر این اساس، جمع‌بندی نهایی پژوهش آن است که برای پاسخ‌گویی به چالش‌های نوظهور و هماهنگی با استانداردهای نوین حمایت از مالکیت فکری، نظام حقوقی ایران ناگزیر از حرکت به سوی طراحی یک رژیم روشن، مرحله‌بندی شده و نقش‌محور در حوزه مسئولیت کیفری سکوهاست؛ رژیمی که در آن معیارهای علم، نقش، کنترل و رفتار پس از اطلاع به صورت شفاف تعریف شود و رابطه‌ای منطقی، متناسب و تدریجی میان ضمانت اجرای مدنی و کیفری برقرار گردد. تحقق چنین رویکردی می‌تواند ضمن ارتقای کارآمدی حمایت کیفری از حقوق مالکیت فکری، زمینه توسعه پایدار و امن فعالیت‌های مشروع دیجیتال را نیز فراهم سازد.

پیشنهاده‌ها

با توجه به نتایج به دست آمده، اصلاح ساختار مسئولیت کیفری سکوها در ایران مستلزم مجموعه‌ای از تغییرات تقنینی، اجرایی و قضایی است. گام اول، تعریف قانونی و طبقه‌بندی روشن واسطه‌های اینترنتی است. قانون‌گذار باید به تبع الگوهای اتحادیه اروپا، آمریکا و گزارش‌های سازمان جهانی مالکیت فکری میان ارائه دهندگان دسترسی، میزبانان، سکوه‌های محتوامحور، بازارگاه‌های آنلاین و واسطه‌های ترکیبی تفکیک کند و نقش و سطح کنترل هر یک را مشخص سازد؛ زیرا تعیین مسئولیت کیفری بدون این تفکیک امکان‌پذیر نیست.

گام دوم، طراحی یک رژیم ویژه مسئولیت کیفری و مدنی سکوها در قانون حمایت از مالکیت صنعتی یا در قالب اصلاح قانون جرائم رایانه‌ای است. این رژیم باید معیارهای دقیق «علم»، «علم احتمالی»، «نقش فعال یا منفعل»، «انتفاع اقتصادی»، «تسهیل سازمان‌یافته» و «عدم اقدام پس از اطلاع» را مشخص کند و بر اساس آن، سطح مسئولیت کیفری را متناسب با نقش واقعی سکو تعیین نماید. در این چارچوب، سکوهایی که در ساختاردهی کسب‌وکار یا مدل درآمدی خود بر نقض مبتنی هستند باید در معرض شدیدترین مسئولیت‌ها قرار گیرند.

گام سوم، پذیرش سازوکار رسمی «اطلاع و اقدام» است. قانون‌گذار باید نظامی مشابه safe-harbor ایجاد کند که در آن واسطه‌ای که پس از دریافت گزارش معتبر از نقض، در مهلت مناسب اقدام به حذف محتوا یا جلوگیری از تکرار آن می‌کند، از مسئولیت کیفری و مدنی مصون باشد؛ اما واسطه‌ای که عمداً از نقض منتفع می‌شود یا پس از اطلاع اقدامی نمی‌کند، در معرض مسئولیت قرار گیرد. این سازوکار می‌تواند تعادل میان حمایت از مالکیت فکری و آزادی فعالیت‌های مشروع دیجیتال را برقرار کند.

گام چهارم، تقویت ابزارهای مدنی و اداری در کنار ضمانت اجرای کیفری است. مسئولیت کیفری باید محدود به نقض‌های گسترده، تجاری یا سازمان‌یافته باشد، در حالی که مقابله با نقض‌های خرد یا پراکنده در فضای مجازی باید عمده‌تاً از طریق ابزارهای مدنی مانند حذف محتوا، توقیف حساب‌های ناقض، جبران خسارت و صدور دستورهای قضایی انجام شود. چنین تفکیکی با اصول حداقلی بودن حقوق کیفری و تناسب مجازات هم‌خوان است.

گام پنجم، ایجاد رویه قضایی منسجم و تکمیل شعب تخصصی مالکیت فکری است. قوه قضاییه می‌تواند با تدوین دستورالعمل‌هایی درباره معیارهای انتساب مسئولیت به واسطه‌ها، شیوه‌های ارزیابی عنصر

معنوی و حدود تکالیف سکوها، نقش مهمی در کاهش پراکندگی رویه و افزایش پیش‌بینی‌پذیری حقوقی داشته باشد. اجرای کامل شعب تخصصی مالکیت فکری که در قانون ۱۴۰۳ پیش‌بینی شده، گامی اساسی در این مسیر است.

گام ششم، تقویت مطالعات تجربی و ایجاد سامانه ثبت نقض‌های مالکیت فکری در فضای مجازی است. سیاست‌گذاری کارآمد مستلزم شناخت دقیق از حجم، الگو و نقش واسطه‌ها در نقض‌هاست؛ امری که بدون داده‌های تجربی امکان‌پذیر نیست. ایجاد پایگاه داده ملی درباره دعاوی نقض مالکیت فکری در فضای دیجیتال می‌تواند مبنای اصلاحات تقنینی مبتنی بر شواهد باشد.

درنهایت، اجرای این پیشنهادها می‌تواند حقوق ایران را از وضعیت پراکنده کنونی به سوی رژیم منسجم، پیش‌بینی‌پذیر و سازگار با تحولات جهانی در حوزه مسئولیت کیفری سکوها سوق دهد؛ رژیمی که از یک سو منافع دارندگان حق را حمایت کند و از سوی دیگر، زمینه توسعه سالم اقتصاد دیجیتال را فراهم آورد.

فهرست منابع

- ابهری، حمید و میری، حمید (۱۳۹۱). «پژوهشی تطبیقی پیرامون مسئولیت مدنی ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی با تأکید بر حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا»، **پژوهش حقوق خصوصی**، دوره ۱.
- اعتمادی، امیر (۱۴۰۱). **جرائم رایانه‌ای و ادله دیجیتال**، چاپ دوم، تهران: جنگل.
- پورفلاطون، فاطمه و خادم رضوی، قاسم (۱۴۰۱). «مسئولیت حقوقی و کیفی واسطه‌های اینترنتی در حقوق ایران»، **آفاق علوم انسانی**، دوره ۶، شماره ۶۳.
- حقیقت‌دوست، محمد (۱۴۰۴). **مسئولیت مدنی سکوه‌های اینترنتی در قبال کاربران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- رمضانیان سیاهکلرودی، سیدمحمد (۱۳۹۹). «مسئولیت مدنی واسطه‌های اینترنتی بر نقض حقوق اشخاص»، **پژوهش‌های فقه و حقوق تطبیقی**، دوره ۶، شماره ۲.
- غلامعلی‌زاده، مهدی و حسام، احسان (۱۴۰۲). «مسئولیت مدنی بسترهای مجازی آنلاین در قبال اعمال کاربران»، **حقوق اسلامی**، دوره ۲۰، شماره ۷۹.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۳). **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: میزان.
- قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲). مصوب ۱۷ دی ۱۳۸۲، روزنامه رسمی.
- قانون جرائم رایانه‌ای (۱۳۸۸). مصوب ۵ خرداد ۱۳۸۸، روزنامه رسمی.
- قانون حمایت از مالکیت صنعتی (۱۴۰۳). مصوب ۱ خرداد ۱۴۰۳، روزنامه رسمی.
- قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲). مصوب ۱ اردیبهشت ۱۳۹۲، روزنامه رسمی.

Reference

- Article 19. (2012). Iran's Computer Crimes Law: A Legal Analysis. Article 19 Report.
- Garrote, I. (2010). Liability of Internet Intermediaries. World Intellectual Property Organization (WIPO).
- OECD. (2011). The Role of Internet Intermediaries in Advancing Digital Economy. Paris: OECD Publishing.
- Seng, D. (2011). Comparative Analysis of National Approaches to Liability of Internet Intermediaries in Copyright Law. WIPO Study.
- TalTech University. (2023). The Liability of Internet Intermediaries in Online Copyright Law (Master's Thesis). Tallinn University of Technology.
- World Intellectual Property Organization (WIPO). (2010). Liability of Internet Intermediaries. Geneva: WIPO.
- World Intellectual Property Organization (WIPO). (2018). The Role and Responsibility of Internet Intermediaries in Copyright. Geneva: WIPO.
- World Intellectual Property Organization (WIPO). (2020). Internet Intermediaries and Copyright Enforcement. Geneva: WIPO.
- World Trade Organization (WTO). (2019). Intellectual Property Rights Enforcement: Training Module. Geneva: WTO